

## شهيد حسن دريا



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

محمد	نام پدر
۱۳۳۳/۰۱/۱۱	تاریخ تولد
بوشهر - دشتی	محل تولد
۱۳۶۷/۰۵/۱۱	تاریخ شهادت
منطقه جنوب	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
بسیج	نوع عضویت
-	شغل
دوره ابتدایی	تحصیلات
شنبه	مدفن

## زندگینامه

حسن دریا فرزند محمد در سال ۱۳۳۳ در خانواده مستضعف اما مذهبی و اهل علم در روستای شنبه به دنیا آمد. چند روزی از زندگیش سپری نشده بود که مادرش را از دست می‌دهد و هرگز مهر مادری را نمی‌بیند. در سن ۵ سالگی پدرش را نیز از دست می‌دهد. عموی بزرگوارش زائر محمد بردستانی که یکی از روحانیون منطقه بود، عهده‌دار سرپرستی وی گردید.

با توجه به اینکه عمویش کلاس درس قرآن و احکام اسلامی داشت. ایشان نیز در این کلاسها شرکت می‌نمود. پس از اینکه دوره مکتب را به پایان رساند و تا حدودی رشد یافته بود و نیاز به کسب علم بیشتر داشت، عمویش را نیز از دست می‌دهد. در این زمان بود که روزگار سخت و پر از فراز و نشیب برای شهید شروع شد و بار سنگین مسئولیت زندگی را بر دوش خویش احساس نمود و برای سرپرستی تنها خواهرش آستینها را برای تندرستی و فراهم کردن مایحتاج زندگی بالا می‌زند و برای کار کردن راهی شهر بوشهر می‌گردد. سالهای زیادی با جمعی دوستان و هم‌محللیهای خود در شرکت ساختمانی مشغول کار شد و شغل بنایی را انتخاب کرد. با طلوع فجر انقلاب اسلامی و مبارزه ملت قهرمان ایران، شهید با کارگران شرکت برای از پادر آوردن رژیم پهلوی دست از کار می‌کشند و به روستا برمی‌گردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی احساس مسئولیت کرده و با تعدادی از دوستانش، در سال ۱۳۶۰ جز اولین گروه اعزامی از روستای شنبه به میادین جنوب بودند. پس از اعزام به جبهه و گذراندن یک دوره آموزشی فشرده به مدت ۷ روز در پادگان شهید بهشتی اهواز با هم‌زمانش به خط مقدم جبهه (منطقه دار خوئین و محمدیه) رهسپار گشت. با فرمان تاریخی امام خمینی(ره) در خصوص شکست حصر آبادان، در عملیات ثامن الائمه شرکت نمود و پس از پیروزی رزمندگان اسلام در این ناحیه به زادگاهش بازگشتند. شهید نمی‌توانست در حالی که کشور در آتش دشمن می‌سوخد، با نشستن در کنار خانواده، خود را قانع سازد. به همین منظور برای دومین بار در سال ۱۳۶۲ به تنهایی عازم میادین نبرد حق علیه باطل گردید و در جبهه غرب به خدمت به اسلام مشغول شد. پس از گذشت یکماه سرانجام توسط دشمن از ناحیه کمر و شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از همین ناحیه فلج شد. پس از مدتی در بیمارستان همین وضعیت را سپری نمود و معاینات پزشکی ثمر نداد و ناچار شد به روستا برگردد. با توجه به مشکلات بدنی و جسمی اینقدر به مسجد و مراسمات مذهبی پایبند بود که با هر وضعیتی خود را به این اماکن می‌رسانید. ایشان در روستا هم که بود دست از فعالیت و خدمت به مردم برنداشت و به خاطر حس اعتماد و احترام و محبوبیتی که نزد مردم داشت او را به عنوان یکی از اعضا شورای اسلامی محل انتخاب نمودند. از خصوصیات بارز شهید پشتکار و دلیری وی بود. در خانه هم که بود با اخلاق خویش خانواده را مجذوب خود ساخته بود.

هرگز از دردی که داشت شکایت نمی‌کرد تا اینکه در مورخه ۶۷/۵/۱۱ در بیمارستان سعدی شیراز به خیل شهیدان پیوست.

ویژگیهای اخلاقی و رفتاری شهید

شهید دریا فردی متین و متواضع بود. با همه خوش‌برخورد و مهربان بود. به نرمی و آرامش سخن می‌گفت. هیچگاه ندیدم و نشنیدم که با لحنی تند با کسی برخورد داشته باشد.

برخورد با اقوام و بستگان

چون شهید از دوران کودکی پدر و مادرش را از دست داده بود و طعم سختیهای زندگی را چشیده بود و دور از آغوش پدر و مادرش بزرگ شده بود وابستگی خاصی به پدر بزرگ و عموهایش داشت. همیشه به آنها سرمی‌زد و از احوال آنها خبر می‌گرفت.

پایبندی به ارزشها

شهید دریا چون در یک خانواده متدین و روحانی متولد شده بود به اعتقادات و باورهای مذهبی و ملی احترام خاص می گذاشت . در مراسمات مذهبی شرکت فعال داشت . خصوصاً زمانی که جانباز بود و در ویلچر زندگی را می گذراند خود را به مراسمات ایام محرم و صفر می رساند.

## ویژگیهای خاص

پاکی – صداقت – مهر – سخت کوشی در چهره اش موج می زد . هیچگاه از مشکلات زندگی ننالید و همیشه خدا را به یاد داشت و شکرگزار نعمتهایش بود.

## عضو فعال شورای اسلامی

به خاطر محبوبیت خاصی که نزد مردم داشت و سخت کوشی و پشتکاری که از او سراغ داشتند، مردم او را به عنوان یکی از اعضای شورای اسلامی انتخاب کردند . چندسالی در این سمت بدون چشمداشت مزد یا حقوقی به مردم روستایش صادقانه خدمت نمود.

## رابطه با اعضا □ خانواده

به فرزندانش عشق می ورزید . به آنها علاقه خاصی داشت . با همسرش بسیار مهربان بود . تنها خواهرش را خیلی خیلی دوست می داشت . و همیشه به دیدن او می رفت اگر روزی فرامی رسید که فرصت اینکار را پیدا نمی کرد، خواهرش پیش او می آمد و از احوالش باخبر می شد.

## دوران جانبازی

هیچگاه در دوران جانبازی از دردی که داشت به کسی شکایتی نکرد . آنقدر دردش را تحمل می کرد که درد از دست او به ستوه آمده بود . لحظه ای از فکر خدمت به مردم فاصله نگرفت همیشه دوست داشت تا جائی که توان دارد در خدمت مردم باشد و برای مردم خدمت نماید.



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر